

اقتصاد ایران در آستانه چه وضعیتی است؟

رهزگشایی از هشدار مشترک دولت و مجلس

لحن مقامات ارشد دولت و مجلس در روزهای اخیر به وضوح تغییر کرده است. رئیس‌جمهور از «امتحان سخت» سخن می‌گوید و برخی نمایندگان مجلس از «سه ماه دشوار پیش رو» لذا باید پرسید اقتصاد ایران در چه شرایطی قرار گرفته و چرا مسئولان ناگهان به زبان هشدار و صراحت روی آورده‌اند؟ ادبیات حاکم بر سخنان مسئولان به ویژه در دولت و مجلس طی روزهای گذشته به شکل ملموسی تغییر کرده است.

شرح در صفحه ۶

صورت‌حساب سنگین خاموشی اینترنت برای ایرانیان

از اتصال ظاهری تا فرسایش واقعی

صفحه ۶

نگاهی به گذر صنایع دستی پایتخت به مناسبت روز جهانی صنایع دستی

هنر در حبس ویتربین‌ها بازار کمرمق!

صفحه ۶

مهدی مهدوی کیا، حاشیه‌های دلنشین از یک متن جذاب

نسلی که همچنان آبروداری می‌کند

صفحه ۵

خبر

آیت الله خاتمی:

به ترامپ و نتانیاهو می‌گویم اگر دست از پا خطا کنید، سیلی محکمی می‌خورید

خطیب نماز جمعه تهران خطاب به ملت ایران گفت: مصاف و جنگِ شما، جنگِ ایمان و کفر است. به ترامپ و نتانیاهو می‌گویم «اگر دست از پا خطا کنید، سیلی می‌خورید؛ آن هم سیلی محکم.»
به گزارش ایرنا، آیت‌الله سید احمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران (۲۲ خردادماه ۱۴۰۵) در محل دانشگاه تهران افزود: بی‌هیچ تردیدی به شما عرض می‌کنم؛ مصاف و جنگ شما، جنگِ ایمان و کفر است. شما با دنیای کفر و شرک طرف هستید و بر اساس همین باور می‌گویم: قطعاً شما پیروزید.

وی افزود: خوبان امت! این پیروزی قطعی، دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. من مطمئنم که ان‌شالله بنده یا دیگر امامان جمعه، در همین تریبون و همین جایگاه، جشن پیروزی را خدمتان تبریک خواهیم گفت. خدایا به حق کرمت، اسلام و مسلمین را در سراسر جهان پیروز بفرما و دشمنانشان را خوار و ذلیل گردان.

خطیب نماز جمعه تهران عنوان کرد: دو تحلیل محضر شما خوبان عرض می‌کنم. تحلیل نخست، مساله مقابله‌به‌مثل است. آنچه در هفته گذشته اتفاق افتاد، به‌ویژه ورود ایران به عرصه حمایت از حزب‌الله و عقب‌نشینی دشمن، حاوی چند پیام بود. پیام اول این است که آنچه مسئولان جنگی می‌گویند، شعار نیست؛ عمل می‌کنند. گفتند اگر به ضاحیه حمله کنید،

آیت‌الله خاتمی بیان‌داشت: مولا علی (ع) فرمودند «دشمنان ما شعار می‌دهند، اما ما عمل می‌کنیم». ما رعدی نیستیم که بارانی به‌دنبال نداشته باشد؛ بلکه باران ما سیل‌زا است.

وی گفت: فرمانده هوافضا گفت: «الوعد وفا» و مردم نیز در میدان و در خیابان از این اقدام تشکر کردند. اکنون نیز نظام شعار نمی‌دهد. به ترامپ و نتانیاهو می‌گویم «اگر دست از پا خطا کنید، سیلی می‌خورید؛ آن هم سیلی محکم.»

امام جمعه موقت تهران ادامه داد: پیام دوم این است که مردم ایران با دشمنانی عهدشکن و پیمان‌شکن طرف هستند. قرآن کریم می‌فرماید «این‌ها نه اهل خویشاوندی و رعایت حرمت‌ها هستند و نه اهل عهد و پیمان». این‌ها تجاوزگرند. این دشمن، دشمنی است که زبان مذاکره را نمی‌فهمد، زبان آتش‌پس را نمی‌فهمد؛ فقط زبان زور را می‌فهمد. بحمدالله، نیروهای مسلح ما زبان زور را به آنان نشان دادند و باز هم نشان خواهند داد.

آیت‌الله خاتمی خاطرنشان کرد: من به عنوان خطیب جمعه، نمی‌دانم پشت‌صحنه چه خبر است و نیرسیده‌ام؛ اما اجمالاً به مذاکره‌کنندگان نظام می‌گویم که شما زبان این ملت هستید، زبان حسین (ع) هستید که فرمود: «هیبهات من الذله». ترامپ گفته است «ایرانی‌ها ما را احق می‌دانند». مگر احق نیستید؟ حرف حساب می‌زنند! ایرانی‌ها هم تو را دیوانه می‌دانند و هم احق؛ خواهند حق را بر زبان جاری کرده است.

وی بیان‌داشت: پیام دیگر، مربوط به جبهه مقاومت است. انصافاً دیدید چقدر زیبا انصارالله یمن، حزب‌الله و نیروهای مقاومت عراق وارد میدان شدند؟ این دقیقاً معنای آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» است.

خطیب نماز جمعه تهران گفت: پیام پنجم این است که نه تنها ایرانیان عزیز ما، بلکه دنیا می‌داند که ترامپ و نتانیاهو سر و ته یک کرباسند. این فرد نامرد می‌گوید: «من مخالف زدن «ضاحیه» لبنان بودم»؛ حیا کن! اصلاً گویا این آقا جز دروغ، چیز دیگری نمی‌فهمد. خود مطبوعات این رژیم جعلی اذعان کرده‌اند که این حمله با هماهنگی آمریکا بوده است.

آیت‌الله خاتمی افزود: تمام سخن یک کلمه است و آن اینکه ما انقلاب کردیم که تسلیم نشویم و به فضل خدا تسلیم نخواهیم شد. در قاموس این ملت آزاده، شعار سیدالشهدا (ع) جاری است که «هیبهات من الذله». محرم همیشه برای ملت عزیز ما پیام داشته است؛ همواره پیام نجات‌بخش داشته است. اما محرم امسال یک ویژگی دیگر هم دارد.

اسرار انتخابات

شنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۵
۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۱۳ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۶۱۹۲
۸ صفحه
۴۰۰۰ تومان

ماراتن تفسکیر رویایی ایران و آمریکا به کجا خواهد رسید؟

نزدیک به توافق؟

صفحه ۶



میراث احمدی نژاد برای اصولگرایان چیست؟

داستان یک رئیس‌جمهور پس از ۱۲ سال



عرصه تقریب رسیده، عرصه ای که مشخص نیست احمدی نژاد با سکوت همراه با سکوت در آن به دنبال چیست.

رئیس‌جمهور افراط چگونه به تقریب رسید؟

پیش از ریاست‌جمهوری، احمدی‌نژاد چهره‌ای ناشناخته برای بسیاری از ایرانیان بود. با سوابقی در سپاه پاسداران و استانداری اردبیل که به عنوان شهردار تهران در سال ۱۳۸۲ به شهرت رسید. دوران شهرداری او با رویکردی پوپولیستی، شواف ساده‌زیستی و نمایش و قربابت با مردم عادی گره خورد. شعار «عدالت‌محوری» و «مبارزه با فساد» که با لحنی تند و انقلابی مطرح می‌شد، به سرعت او را در میان طبقات فرودست و بخش‌هایی از نیروهای انقلابی جا انداخت. این تصویر، در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴ که او کمک کرد تا با وجود حضور چهره‌های شناخته‌شده و قدرتمندی چون اکبر هاشمی رفسنجانی، به شکلی غافلگیرکننده به پاستور راه یابد. پیروزی او نشان‌دهنده خستگی بخشی از جامعه از سیاست‌های سنتی و تمایل به تغییری رادیکال بود. دوران هشت ساله ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، بی‌شک پرتلاطم‌ترین و پربحث‌ترین مقطع زندگی سیاسی اوست.

در عرصه داخلی، احمدی‌نژاد با تکیه بر شعار «عدالت» و «مهرورزی»، سیاست‌هایی نظیر پرداخت یارانه نقدی مستقیم، طرح مسکن مهر و سفرهای استانی را در پیش گرفت که اگرچه در میان بخشی از مردم محبوبیت داشت، اما با انتقادات جدی از سوی کارشناسان اقتصادی و سیاسی مواجه شد. درگیری‌های او با مجلس، قوه قضائیه و حتی بخش‌هایی از روحانیت سنتی، به تدریج او را در جبهه اصولگرایان نیز منزوی کرد.

در انتخابات ۱۳۸۸ اگرچه او برای بار دوم رئیس‌جمهور شد، اما مشروعیت سیاسی‌اش در داخل کشور به شدت کاهش یافت. در جریان انتخابات، حلقه‌های قدرتمند و محافظه‌کار اصلی اصولگرایان یعنی طیف قالیباف و طیف جلیلی-پادری در همه انتخابات‌های بعد حول محور این کنش شکل گرفت. بعد از آن همه آکسون‌ها انتخاباتی جریان راست‌روی «رقیب هراسی» حساس شد؛ مراقب باشید یک روحانی رای نیاورد. این استراتژی اما نفس مسیحایی اصولگرایان برای وحدت نشد. شکاف و گسل‌های گفتمانی و حلقه‌های جدا شده چهره‌های اصولگرا که برای خود شبکه درست کردند منجر به تربیت نسل جدید شد. گفتمان انقلابی جریان اصولگرا ه هویتی با سبک زیست سیاسی تازه در میان جوانان شکل گرفت. هویتی که محصول طبیعی یک دهه کنش بود و به راحتی علامت‌های سوال‌های جدی روی عملکرد قالیباف و ابهامات مهم در سیاست‌های جلیلی طرح کرد.

اصولگرایان مدهوش از پیروزی در تابستان ۱۳۸۸ که تصور نمی کردند دیگر کسی «نفس کش» میدانی باشد که آنها از پاستور تا بهارستان فتح رسانده بود، کمتر از ۲ دهه بعد از آن روزها، نه «پیروز مسلط» میدان سیاست هستند نه «مغلوب کامل» آن؛ با این وجود حتی در روایت روزهای بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ هم نمی‌توانند به یک قرائت واحد برسند.

مهمتر از این اما داستان‌های محمود احمدی نژاد از همان زمان تا امروز است؛ روایی تابستانی برای رای اوری بالا که نه تنها دیگر محقق نشد بلکه حالا مبدا ابهام‌های زیاد برای توان جریان اصولگرایان در زمینه انتخاب رئیس‌جمهور شد.

در خرداد سال ۱۳۸۸ بود که میرحسین موسوی در مناظرات انتخاباتی ریاست جمهوری در نقد رفتارهای احمدی نژاد گفت که «افراط تقریب می‌آورد». افراط‌های احمدی نژاد که مطابق این مثل و یک اصل طبیعی و انسانی تقریب آورد و شاید بازی روزگار است یا جبر زمانه که افراط و تقریب‌های نورچشم اصولگرایان حالا صدایش در غرب و نشریه نیویورک تایمز نیز شنیده می‌شود.

داستان افراط و تقریب در مورد او شامل کامل داستان رئیس‌جمهوری است که از شدت افراط دو دهه بعد به

میراث احمدی نژاد برای اصولگرایان چیست؟

داستان یک رئیس‌جمهور

پس از ۱۲ سال

همین صفحه



سرمقاله

محمدعلی وکیلی



از آریوبرزن تا سید مجید

فرض این یادداشت اتمام جنگ و شروع ایران پس‌اجنگ است. دراین مدت بارها نوشتم اگر ایران سرسلامت از این بحران عبورکند ،پنجاه سال جلوافتاده است، بعبارتی پرونده‌های باز هزینه ساز پنجاه سال گذشته همچون ندوای جزایر وپیم تجزیه و...بسته خواهد شد. باین فرض ناخواسته لیستی از بزرگان ،رهبرشهید ،سرداران نامی ،دانشمندان وکودکان معصوم میناب جلوی چشمانمان زنجیرمیشود.

اما آناتکه ماندندو فرماندهی میدان ورهبری جنگ را عهده دارشدندودرمقابل تمام قدرت آمریکا واسرائیل با فنون ایرانی ایستادند نامی به بلندی نام ایران خواهند داشت. دراین میان مایلم درحد این قلم وبیسم خودم ازنقش تاریخ ساز یک شیر بچه لر یادی کنم وآنهم سیدمجید "نقطه‌زن می‌باشد". تاریخ ایران، تاریخ رودها و کوهها نیست؛ تاریخ مردانی است که در بزرگه‌های سرنوشت، چون کوه ایستاده‌اند تا این سرزمین پابرجا بماند. ملت‌ها نه فقط با مرزهای جغرافیایی، که با قهرمانان خویش زنده‌اند؛ با نام‌هایی که در لحظه‌های هراس، امید می‌آفرینند و در روزگار تردید، به مردم اعتماد و آرامش می‌بخشند. در حافظه تاریخی ایران، آریوبرزن یکی از بلندترین این قله‌هاست؛ سرداری از تبار دلیران لر و فرزند کوهستان‌های زاگرس که با شجاعت، جسارت و تدبیر، در تنگه‌های پارس راه را بر سپاه اسکندر بست و نشان داد که ایران را نمی‌توان با تکیه بر برتری عدد و ساز و برگ نظامی به زانو درآورد.

آریوبرزن را باید فرزند بلوطهای کهنسال زاگرس دانست؛ درختانی که ریشه در سنگ دارند و سر بر آسمان.

ادامه در صفحه ۶

تحت تأثیر قرار گرفت. در دوران دوم ریاست‌جمهوری، شکاف میان او و حلقه نزدیکانش با رهبری و دیگر نهادهای قدرت عمیق‌تر شد. او که زمانی خود را "سریاز ولایت" معرفی می‌کرد، به تدریج به چالش‌کشنده برخی از اختیارات و سیاست‌های کلان نظام تبدیل شد. مسائلی چون برکناری وزیر اطلاعات وقت و اصرار بر انتصاب اسفندیار رحیم‌مشایی به معاون اولی، نماد این شکاف بود. این تقابل‌ها، به تدریج او را از پایگاه اصولگرایی نیز دور کرد و باعث شد تا با پایان ریاست‌جمهوری، عملاً به حاشیه رانده شود.

در دو سال اخیر، با تشدید بحران‌های منطقه‌ای و داخلی، از جمله جنگ در غزه و حملات مستقیم به خاک ایران، احمدی‌نژاد به شکلی متعادل سکوت کرده است. این سکوت، در تضاد آشکار با شخصیت پیشین اوست که هرگز از ابراز عقاید و مواضع جنجالی‌اش ایابی نداشت. در اوج منازعات و بحران‌ها، در حالی که بسیاری از شخصیت‌های سیاسی داخلی و خارجی واکنش نشان داده‌اند، احمدی‌نژاد ترجیح داده است که در سایه باقی بماند. حتی حملات احتمالی به منزل او نیز نتوانست این سکوت را بشکند.

۱۷ سال بعد از تثبیت رئیس‌جمهور اسرائیل ستیز

سالگرد ۲۲ خرداد به عنوان سالروز برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری البته یادآور محمود احمدی نژاد و بهانه‌ای برای بازخوانی روابط او با اصولگرایان است اما حالا احمدی نژاد با داستان‌های دیگری نیز بر سر زبان‌ها افتاده؛ داستان رئیس‌جمهوری که روزگاری نه چندان دور در تندترین تعبیر از جمله «جرثومه فساد»، «رژیم جعلی»، «رژیم نژادپرستان»، «لکه ننگ» را به کار برد اما حالا نامش به عنوان گزینه اسرائیلی‌ها در رسانه‌های غربی آورده می‌شود و رسانه‌های اسرائیلی‌ها شیخ چیز را تکذیب نمی‌کنند. تغییر لحن و نحوه مواجهه احمدی‌نژاد با موضوع اسرائیل شاید هزاران تعبیر و تفسیر داشته باشد اما بدون شک یک تصمیم ارادی است و نشان از یک تغییر تاکتیکی. آنچه در سال‌های اخیر مشاهده شده، فاصله گرفتن او از ادبیات تقابلی و نقش‌آفرینی فعال در پرونده‌ای است که زمانی مهم‌ترین مؤلفه هویتی سیاست خارجی‌اش محسوب می‌شد.

شاید احمدی نژاد با خود استدلال کرده است که موضوعی که در دهه هشتاد یکی از اصلی‌ترین محورهای رقابت‌های سیاسی و رسانه‌ای بود، امروز در سایه بحران‌های اقتصادی، مطالبات اجتماعی و مسائل معیشتی، جایگاه متفاوتی در اولویت‌های افکار عمومی پیدا کرده است. از این منظر، کاهش تمرکز بر پرونده اسرائیل را می‌توان تلاشی برای انطباق با دستور کار جدید جامعه و حفظ ارتباط با بدنه‌ای از مخاطبان دانست که دغدغه‌های متفاوتی نسبت به دو دهه گذشته دارند.

با این حال، همین فاصله‌گیری موجب شکل‌گیری یک پرسش مهم نیز شده است؛ اینکه آیا احمدی‌نژاد امروز همچنان همان سیاستمداری است که بخش مهمی از شهرت و شناخته‌شدنش را مدیون مواضع تند در سیاست خارجی بود، یا اینکه در حال عبور از آن هویت سیاسی و ساختن تصویری متفاوت از خود است. فارغ از پاسخ به این پرسش احمدی نژاد کامکان می‌خواهد ساکت بماند. از دولت‌بهار او یک کاتال تلگرامی باقی‌مانده که ۱۰۰ روز پیش انتخاب رهبر جدید را تبریک گفته و هیچ واکنش دیگری به هیچ موضوعی نشان نداده است.